

تقیه مداراتی

در سنت و سیره پیشوایان معصوم

محمد حسن حیدری *

چکیده:

از اقسام تقیه، تقیه مداراتی است، این تقیه عبارت است از همزیستی مسالمت آمیز با عامه، به جهت جلب محبت آنها و ایجاد وحدت میان مسلمانان، بی آنکه خوفی در میان باشد. با اینکه چنین تقیه‌ای، به شهادت روایات، در طول دوران ۲۵۰ ساله امامت پیشوایان معصوم، موضوعی مهم و جدی تلقی می‌شده و در روابط اجتماعی و اعمال عبادی، مانند نماز و حج جریان داشته است اما در کلمات فقهای شیعه به جز برخی از فقهای متأخر، این تقیه از سایر اقسام تقیه تفکیک نشده و کمتر به آن توجه شده است. در این پژوهش، با مروری بر اصل مدارا در سیره پیامبران، جایگاه این تقیه در سیره و سنت گفتاری پیشوایان معصوم تبیین شده است و از سنت و سیره پیشوایان روشن می‌شود که این تقیه در نزد پیشوایان از اهمیت بالایی برخوردار بوده و شایسته است مانند سایر اقسام تقیه مورد تحلیل و بازشناسی فقها قرار گیرد.

کلید واژه: «تقیه»، «مدارا»، «وحدت».

مقدمه:

تقیه از مسائل مهم فقه است که ریشه در قرآن کریم دارد و عقل نیز حکمت و ضرورت آن را تأیید می‌کند. تقیه به لحاظ علت تشریح، به سه قسم «خوفی»، «کتمانی» و «مداراتی» تقسیم می‌شود؛ در این بین تقیه مداراتی کمتر مورد بحث قرار گرفته است.

تقیه مداراتی، عبارت است از خوش برخوردی و همزیستی مسالمت آمیز با اهل سنت به دو جهت: ۱. حفظ و ایجاد وحدت بین مسلمین و تقویت بخشیدن به اسلام و مسلمین در مقابل کفار و مشرکین، ۲. جلب محبت عامه و جذب آنها تا پیروان مذهب اهل بیت مورد سرزنش و خواری قرار نگیرند، و باعث تقویت مذهب شیعه و شیعیان شود.

در تشریح این تقیه دو هدف مهم و اساسی، مد نظر شارع بوده است:

۱. صلاح حال مسلمین از این جهت که میان آنها وحدت کلمه و انسجام حکم فرما شود و تفرقه و تشتت از آنها دور گردد تا به این سبب بین سایر ملت‌ها ذلیل نشوند و تحت سلطه کفار و اجانب قرار نگیرند (خمینی، ۱۴۲۰ق، ص ۷۰؛ مکارم، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۹۱).

۲. صلاح حال شیعیان، از این جهت که شیعیان با شرکت در جماعت‌های عامه، هرگونه اتهام را از خود دور کرده و از سوی پیروان سایر مذاهب مورد تعبیر، مذمت و خواری قرار نگیرند (فاضل، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۷) و در بین پیروان سایر مذاهب، مشهور به اخلاق حسنه و اوصاف زیبا شوند (خویی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۱۶).

این تقیه ریشه در اصل مدارا و حسن همجواری با همه مردم دارد در این پژوهش بعد از تبیین مفهوم «تقیه» و «تقیه مداراتی» به اصل مدارا و حسن همجواری در سیره پیامبران اشاره شده سپس جریان این تقیه در سیره و سنت گفتاری پیشوایان معصوم تبیین شده است و نتیجه بحث این است که تقیه مداراتی در نزد پیشوایان معصوم اهمیت زیادی داشته و جا دارد مانند سایر اقسام تقیه مورد نقد و واکاوی فقها قرار گیرد.

در رابطه با تقیه مداراتی، در مجله «میقات حج» مقالاتی منتشر شده است که عبارتند از:

۱. «تقیه مداراتی» تألیف مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، ایشان با تمسک به روایات اهل بیت علیهم‌السلام اصل مشروعیت و اهمیت این تقیه را ثابت کرده و در نهایت اهداف این تقیه را تبیین کرده‌اند.

۲. «تقیه مداراتی» نوشته حجت الاسلام محمد رحمانی، در مقاله ایشان، ضمن طرح روایات تقیه مداراتی در ۵ دسته به اجزاء در این تقیه اشاره کرده‌اند و بعد از طرح آرای امام خمینی و آیت‌الله خویی علیه‌السلام از دیدگاه حضرت امام دفاع کرده‌اند و در ادامه، گستره این تقیه نسبت به موضوعات را متذکر شده‌اند.

۳. «حد و حکمت مدارا» نوشته حجت الاسلام محمد سروش محلاتی، در مقاله ایشان آرای فقهی شیخ انصاری، امام خمینی و آیت الله خویی در رابطه با تقیه مداراتی مقایسه شده است.

۴. «نگاهی تاریخی به تقیه مداراتی» نوشته فتحی نیا، در این مقاله تقیه مداراتی به لحاظ تاریخی در دوران رسالت و امامت تبیین شده و با طرح روایات اهل بیت علیهم السلام، مشروعیت این تقیه را ثابت کرده‌اند.

در این پژوهش‌ها، تقیه مداراتی از زاویه فقهی یا تاریخی لحاظ شده است اما تفاوت و تمایز این پژوهش این است که از زاویه روایی، روایات اهل بیت در رابطه با تقیه مداراتی بررسی شده و جریان این تقیه در سیره و طریقه امامان معصوم علیهم السلام تبیین گردیده و در قالب چهار دسته از روایات، نقش پررنگ این تقیه در سنت گفتاری امامان معصوم علیهم السلام را گوشزد کرده‌ایم.

اکنون پیش از پرداختن به موضوع اصلی، جهت تبیین بهتر مطلب، اشاره‌ای کوتاه به مفهوم «تقیه» و «تقیه مداراتی» می‌کنیم.

الف. معنای تقیه

تقیه از ماده «وقی، یقی» به معنای صیانت و نگهداری است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۵۲۷). «تاء» در ابتدای این واژه در اصل واو بوده است مانند واژه «تقوی» که در اصل «وقوی» بوده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۳۹). این واژه، بر وزن «فَعِیلَة» است، «تاء» در انتهای آن، تاء مصدریه است؛ مانند واژه «غلبه». این واژه مصدر یا اسم مصدر از باب افتعال است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، صص ۲۵۲۷ - ۲۵۲۶. فیومی، ۱۴۱۴، ص ۶۶۹) از این رو، ترجمه آن به «خودنگهداری» یا «خود نگهداشتن و محافظت کردن از خود» صحیح است. معنای تقیه در اصطلاح، اخص از معنای لغوی است و برای آن تعاریف زیادی ارائه کرده‌اند که از نظر مضمون، همه به یک مطلب اشاره دارند، اگر بخواهیم تعریفی ارائه دهیم که شامل همه اقسام تقیه باشد و به لحاظ «متقی فیه» و «متقی منه» عمومیت داشته باشد این است:

«تقیه عبارت است از اخفای حق از غیر یا اظهار خلاف حق، به دلیل مصلحتی که اهم از اظهار حق می‌باشد. آن مصلحت اهم حفظ جان یا مال یا آبروی خود متقی (تقیه کننده) یا متعلقات متقی یا حفظ اسرار اهل بیت علیهم السلام یا ایجاد وحدت بین مسلمین و جلب محبت اهل سنت می‌باشد.»

ب. تقیه مداراتی

مدارات، از باب مفاعله و از ماده «دری» یا «درء» می‌باشد، و در لغت به پوشاندن عداوت و نرمخویی معنا شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۳۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵).

در کلمات متأخرین معاصر، این تقیه از سایر اقسام تقیه تفکیک شده و برای آن تعاریفی ارائه گردیده است (خمینی، ۱۴۲۰ق، ص ۸؛ روحانی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۴۲۱؛ سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۴). آنچه از این تعاریف به دست می‌آید این است که:

تقیه مداراتی عبارت است از خوش برخوردی و همزیستی مسالمت آمیز با اهل سنت به دو جهت: یک؛ حفظ و ایجاد وحدت بین مسلمین و تقویت بخشیدن به اسلام و مسلمین در مقابل کفار و مشرکین. دو؛ جلب محبت عامه و جذب آنها تا پیروان مذهب اهل بیت مورد سرزنش و خواری قرار نگیرند و باعث تقویت مذهب شیعه و شیعیان شود. به جهت تفکیک اقسام تقیه، دو قسم دیگر تقیه؛ یعنی تقیه «خوفی» و تقیه «کتمانی» به صورت اجمال تبیین می‌شود:

تقیه خوفی؛ تقیه‌ای است که موضوع آن خوف متقی بر وقوع ضرر یا خطر بر نفس یا مال یا آبرو باشد، که گاهی این خوف به حد اکراه و اجبار می‌رسد و گاه نمی‌رسد. پس ملاک تشریح این تقیه، تحقق عنوان خوف یا عنوان اکراه است.

تقیه کتمانی؛ عبارت است از پوشاندن و مخفی کردن اعتقادات و اسرار اهل بیت علیهم‌السلام و حقایق مذهب شیعه ولو خوفی در میان نباشد. (خمینی، ۱۴۰۲ق، ص ۸) این تقیه در واقع یک نوع عمل قلبی است و در عمل ظهور و بروز ندارد.

اصل مدارا و حسن همجواری

عمل به تقیه مداراتی مبتنی بر اصل مدارا و حسن همجواری است. نسبت بین اصل مدارا و تقیه مداراتی عموم و خصوص مطلق است. در اصل مدارا نرمخویی، ملایمت و حسن همجواری با عموم مردم می‌باشد؛ چه مسلمان با هر فرقه‌ای، چه غیر مسلمان؛ این مدارا و ملایمت یا از روی مصلحت صورت نمی‌گیرد و خصیصه ذاتی آن شخص است و یا اینکه از

روی مصلحت صورت می‌گیرد؛ مانند مصلحت هدایت افراد به حق یا مصلحت پیشگیری از زیان‌های بزرگ‌تر یا مصلحت وحدت مسلمین که از قسم اخیر به تقیّه مداراتی تعبیر می‌شود. این اصل کلیدی و مهم در دین اسلام سفارش شده و مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم درباره چگونگی رفتار با مردم می‌فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾، (بقره: ۸۳) امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه فرموده‌اند:

«با همه مردم به نیکی گفتگو کنید؛ چه مؤمن، چه غیر مؤمن. نسبت به مؤمنان روی گشاده و شاداب داشته باشید و نسبت به مخالفان با مدارا با آنها گفتگو کنید تا جذب ایمان شوند.»^۱ (حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۴).

یکی از مفسرین معاصر در تفسیر آیه شریفه می‌نویسد: «با توجه به تعبیر «ناس» به جای «اهل کتاب» یا «مؤمنان» (پس) حکمی است مربوط به جامعه بشری و اعمال حسن خلق به توده مردم؛ اعم از مسلمان و کافر. این حکم از احکام روابط بین المللی و از بهترین اصول کلی اسلام در تربیت جوامع انسانی است... مقصود از «قول» در جمله «قولوا» کنایه از مطلق برخورد است؛ با قول باشد یا عمل؛ نظیر «مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق: ۱۸) که مقصود خصوص قول در برابر فعل نیست بلکه مطلق کار است؛ اعم از گفتار و رفتار، چنانچه مراد از «خوردن مال مردم» مطلق تصرف است نه خصوص خوردن» (جوادی آملی، ۱۳۸۲ ش، ج ۵، ص ۳۶۴).

عمل به این اصل در سیره تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جریان داشته است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این اصل را در عرض اقامه فرایض قرار داده‌اند و در اهمیت آن فرموده‌اند: «أَمْرِي رَبِّي بِمَدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۱۷). در روایت دیگری سفارش شده به اینکه مؤمن شایسته است خصلتی از پروردگار، خصلتی از پیامبر و خصلتی از امام داشته باشد و آن خصلتی که شایسته است از پیامبر داشته باشد مدارا و حسن همجواری با مردم است؛ «وَأَمَّا الَّتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَهِيَ أَنْ يُدَارِيَ النَّاسَ وَيُعَامِلَهُمْ بِالْأَخْلَاقِ الْحَنِيفِيَّةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۱۲).

۱. «وَقُولُوا لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ حُسْنًا مُؤْمِنِهِمْ وَ مُحَالِفِهِمْ أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسُطُّ لَهُمْ وَجْهَهُ وَ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكَلِّمُهُمْ بِالْمَدَارَةِ لَا جِتْدَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ»

البته مدارای پیامبر ﷺ در مقابل کفار و مشرکین عمومیت نداشته و اختصاص به بعضی از کفار داشت؛ یعنی کفاری که در پناه مسلمین بودند یا معاهد بودند یا در مواقعی که اسلام در موضع ضعف بود یا مصلحتی مثل امید هدایت آنها وجود داشت کما اینکه سهمی از زکات برای تألیف قلوب کفار قرار داده شده است و الانسب به معاندین، اسلام در مواقعی که در موضع قدرت باشد دستور برخورد شدید داده است.

اصل مدارا نه تنها در سیره پیامبر خاتم که در سیره انبیای گذشته نیز مشاهده شده است. در روایتی از پیامبر ﷺ علت برتری انبیا بر سایر مخلوقات، شدت مدارای آنها با دشمنان و حُسن تقیه آنها شمرده شده است: «إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ إِنَّمَا فَضَّلَهُمُ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ بِشِدَّةِ مُدَارَاتِهِمْ لِأَعْدَائِهِمْ دِينَ اللَّهِ وَحُسْنِ تَقِيَّتِهِمْ لِأَجْلِ إِخْوَانِهِمْ فِي اللَّهِ» (حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۵).

ممکن است عجیب باشد که چطور این دو عامل سبب برتری انبیا بر همه خلایق شده است. امام خمینی در توضیح مفاد این روایت فرموده‌اند: نفس مدارای انبیا با دشمنان دین و تقیه آنها موجب برتری انبیا نشده بلکه چون دعوت انبیا و اشاعه دین آنها میان مردم، متوقف بر مدارا با دشمنان دین و حفظ مؤمنین است، به همین جهت مدارا و تقیه از اهمیت زیادی برخوردار شده است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

تقیه مداراتی در سیره پیشوایان معصوم

پیشوایان معصوم در حالی که با طواغیت زمان خویش مبارزه و حق را بیان می‌کردند، عمل به تقیه مداراتی در سیره آنها به چشم می‌خورد؛ در میان پیشوایان معصوم، امیر المؤمنین بیشترین ابتلای به این تقیه را داشتند؛ چون علت اصلی صبر و مبارزه نکردن ایشان برای گرفتن حق و خانه نشینی ۲۵ ساله آن حضرت به جهت حفظ وحدت و انسجام مسلمانان و جلوگیری از تشتت در جامعه اسلامی بوده است؛ چنانچه آن حضرت به این واقعیت تصریح می‌کنند:

«هنگامی که پیامبر خدا ﷺ از دنیا رفت، قریش امر خلافت را به خود اختصاص داد و ما را از حقی که نسبت به همه مردم به آن شایسته تر بودیم دور کردند. در این هنگام دیدم صبر و بردباری بر این غصب بهتر است از تفرقه میان مسلمین و ریخته

شدن خون آنان، در حالی که مردم تازه اسلام را پذیرفته بودند و دین مانند مشکی مملو از شیر بود که کف کرده باشد و با اندک سستی تباہ می‌شود و کوچک‌ترین فردی آن را وارونه می‌نماید.»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۹، ص ۶۳۳).

در کلمات دیگر آن حضرت نیز اهمیت وحدت بین مسلمین و پرهیز از تشتت و تفرقه در صفوف آنها بیان شده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، صص ۵۲، ۱۰۲، ۴۵۱) شرکت آن حضرت در اجتماعات و نماز خواندن با غاصبین خلافت و قبول فرمانداری برخی از شهرها توسط بعضی از یاران حضرت نیز می‌تواند از مصادیق تقیۀ مداراتی باشد.

البته درست است که اگر آن حضرت و یارانشان در مقابل حکومت اعتراض می‌کردند و دست به مقابله و قیام می‌زدند و در صدد گرفتن حق خود بر می‌آمدند از ناحیه دستگاه حاکم مورد آزار، شکنجه و قتل قرار می‌گرفتند و این نشان می‌دهد که تقیه آنان از روی خوف بوده است نه به جهت حفظ وحدت. اما می‌توان ادعا کرد که خوف از دستگاه حاکم، علت اصلی تقیۀ آنان نبوده بلکه حفظ وحدت و استحکام اسلام عامل اصلی بوده است و الا تحمل شکنجه‌ها و جانفشانی برای آن حضرت و یارانشان مطلوب و محبوب بود؛ استاد شهید مطهری در این رابطه می‌فرماید:

«طبعاً هر کس می‌خواهد بداند آنچه علی علیه السلام در بارۀ آن می‌اندیشید، آنچه علی علیه السلام نمی‌خواست آسیب ببیند، آنچه علی علیه السلام آن اندازه برایش اهمیت قائل بود که چنان رنج جانکاه را تحمل کرد، چه بود؟ حدساً باید گفت آن چیز وحدت صفوف مسلمین و راه نیافتن تفرقه در آن است. مسلمین قوت و قدرت خود را که تازه داشتند به جهانیان نشان می‌دادند مدیون وحدت صفوف و اتفاق کلمه خود بودند. موفقیت‌های محیرالعقول خود را در سال‌های بعد نیز از برکت همین وحدت کلمه کسب کردند. علی القاعده علی علیه السلام به خاطر همین مصلحت، سکوت و مدارا کرد. اما مگر باور کردنی است که جوانی سی و سه ساله، دورنگری و اخلاص را تا آنجا رسانده باشد و تا آن حد بر نفس خویش مسلط و نسبت به اسلام وفادار و متفانی

۱. «إِنَّ اللَّهَ لَمَّا قَبَضَ نَبِيَّهُ اسْتَأْثَرَتْ عَلَيْنَا قُرَيْشٌ بِالْأَمْرِ وَ دَفَعْتَنَا عَنْ حَقِّ نَحْنُ أَحَقُّ بِهِ مِنَ النَّاسِ كَأَفْئَةٍ فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكَ دِمَائِهِمْ وَ النَّاسُ حَدِيثُو عَهْدٍ بِالْإِسْلَامِ وَ الدِّينِ يُمَخَّضُ مَخْضَ الْوَطْبِ يُفْسِدُهُ أَذْنَى وَ هُنَّ وَ يَعْكِسُهُ أَقْلُ خَلْقٍ»

باشد که به خاطر اسلام راهی را انتخاب کند که پایانش محرومیت و خرد شدن خود اوست؟! بلی باور کردنی است. شخصیت خارق العاده علی علیه السلام در چنین مواقعی روشن می گردد. تنها حدس نیست؛ علی علیه السلام شخصاً در این موضوع بحث کرده و با کمال صراحت علت را که جز علاقه به عدم تفرقه میان مسلمین نیست بیان کرده است.» (مطهری، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۹).

بعد از دوران امامت امیرالمومنین علیه السلام و با روی کار آمدن بنی امیه و بنی عباس پیشوایان معصوم علیهم السلام و شیعیان در خوف و فشار شدید حاکمان جور قرار گرفتند و غالباً تقیه آنها خوفی و به جهت حفظ جان خود یا شیعیان بود اما در عین حال بعضی از روایات حکایت از حضور پیشوایان معصوم علیهم السلام در اجتماعات و مساجد عامه و نماز خواندن با خلفا یا امام جماعت عامه دارد و روشن است که نماز خواندن پیشوایان معصوم علیهم السلام همیشه از روی خوف بر جان خودشان یا جان پیروانشان نبوده و گاهی به دلیل ایجاد وحدت و یکپارچگی بین مسلمانان و پرهیز از تفرقه و تشتت بوده است.

همچنین متابعت و همراهی پیشوایان معصوم علیهم السلام در طول نزدیک به ۲۵۰ سال، در مراسم حج و وقوف در عرفات و مشعر با عامه، با وجود اینکه در بعضی از سالها ثبوت هلال ذی الحجه مسلم نبود، یکی دیگر از مصادیق تقیه مداراتی در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام می باشد، چون ادعای اینکه در طول همه این سالها، متابعت امامان به جهت تقیه خوفی بوده و تقیه مداراتی و حفظ و انسجام مسلمین مد نظر آنها نبوده است، ادعای سختی است و از آنجا که امامان معصوم غالباً نزد امیران حج مورد احترام بودند، گاهی متابعت و وقوف امامان و شیعیان به جهت حفظ انسجام و وحدت مسلمین بوده است.

در برخی از روایات سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام در مصادیق تقیه مداراتی بیان شده است:

۱. در موثقه سماعه، از امام علیه السلام در مورد ازدواج با عامه و نماز پشت سر آنها سؤال می شود، امام علیه السلام می فرماید: این مسئله ای است سنگین و سخت و شیعیان توانایی انجام آن را ندارند، اما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آنها ازدواج و امام علی علیه السلام با آنها نماز خوانده است؛ بدون شک نماز امیرالمومنین علیه السلام با آنها همیشه از روی خوف نبوده و وحدت و یکپارچگی مسلمین مد نظر آن حضرت بوده است، کما اینکه ازدواج پیامبر با آنها نیز به جهت مصلحت وحدت و انسجام بین مسلمین بوده و خوفی در میان نبوده است: «سَأَلْتَهُ عَنْ مُنَاكَحَتِهِمْ

وَالصَّلَاةِ خَلْفَهُمْ فَقَالَ هَذَا أَمْرٌ شَدِيدٌ لَنْ تَسْتَطِيعُوا ذَاكَ قَدْ أَنْكَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ صَلَّى عَلَيَّ ﷺ وَرَاءَهُمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۰۱).

۲. در صحیحۀ علی بن جعفر از امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین نقل شده است:

امام علیه السلام نماز خواندن امام حسن و امام حسین علیهما السلام پشت سر مروان را نقل کرده و فرموده‌اند ما هم این کار را انجام می‌دهیم و با آنها (خلفا یا عامه) نماز می‌خوانیم.^۱ (همان).

۳. به همین مضمون روایت دیگری در کتاب نوادر راوندی از امام صادق علیه السلام نقل شده که در آن، به یکی از دو امام اعتراض می‌شود:

«پدرتان وقتی به خانه باز می‌گشت نمازش را اعاده می‌کرد. امام ضمن اینکه قسم یاد می‌کنند فرموده‌اند: بر نماز امام جماعت اضافه نکرده؛ یعنی آن را اعاده نمی‌کرده‌اند.»^۲ (راوندی، بی تا، ص ۳۰).

۴. در صحیحۀ معاویه بن وهب است که از امام صادق علیه السلام سوال شد: «كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيهَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرِنَا؟» پرسش معاویه بن وهب دو بخش دارد: ۱. شیوه رفتار شیعیان با یکدیگر ۲. شیوه رفتار و تعامل شیعیان با اهل سنت. اما امام علیه السلام در پاسخ، تفکیک نکرده و بدون فرق گذاشتن بین شیعه و غیر شیعه، در پاسخ فرموده‌اند:

«به امامانتان که از آنها پیروی می‌کنید نگاه کنید، هر کاری که آنها انجام می‌دهند شما نیز انجام دهید، به خدا قسم امامانتان، از مریضان آنها عیادت و در تشییع جنازه آنها شرکت می‌کنند، در اختلافاتشان به نفع یا ضررشان شهادت می‌دهند و امانت آنها را ادا می‌کنند.»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۶)

در این روایت، حضرت در پاسخ از دو پرسش، بین شیعه و غیر شیعه فرق نگذاشته و نسبت به تعامل با هر دو فرقه، سیره پیشوایان معصوم بر عیادت مریضان، شرکت در تشییع جنازه، حضور در محاکم قضایی و ادای امانت را متذکر شده‌اند و بر این سیره قسم یاد کرده‌اند.

۱. «صَلَّى حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ وَرَاءَ مَرْوَانَ وَ نَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ»

۲. «كَانَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام يُصَلِّيَانِ خَلْفَ مَرْوَانَ بْنِ الْحَكَمِ فَقَالُوا لِأَحَدِهِمَا مَا كَانَ أَبُوكَ يُصَلِّي إِذَا رَجَعَ إِلَى الْبَيْتِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ مَا كَانَ يَزِيدُ عَلَيَّ صَلَاةِ الْأَيِّمَةِ».

۳. «تَنْظُرُونَ إِلَى أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»

۵. در روایتی از امام صادق علیه السلام رفاقت، دوستی، ملایمت و خوش برخوردی با مردم به عنوان نماد و علامت پیشوایان معصوم علیهم السلام معرفی شده است، در مقابل بنی امیه که نمادشان خونریزی، ظلم و ستم بوده است: «أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجُورِ وَأَنَّ إِمَامَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّأَلُّفِ وَالتَّقْوَارِ وَالتَّقِيَّةِ وَحُسْنِ الْخِلَاطَةِ وَالتَّوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فَرَعَّبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَفِي مَا أَنْتُمْ فِيهِ». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۵)

تقیه مداراتی در سنت گفتاری پیشوایان معصوم

با مراجعه به مجامع روایی شیعه، به روایات زیادی بر می خوریم که پیشوایان معصوم علیهم السلام شیعیان را به حُسن معاشرت با عامه و عمل به تقیه مداراتی و مصادیق آن فرا می خوانند، تعداد این روایات تا حدی است که برخی قائل به تواتر آنها شده اند. (روحانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۲۲) این روایات با مضامین مختلفی وارد شده است؛ از این رو، این روایات را در ۴ دسته مطرح نموده و به دلیل کثرت و پرهیز از تطویل، اسناد روایات را حذف کرده ایم.

این نکته قابل تذکر است که در لسان روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام از اهل سنت، در بیشتر موارد به «ناس» تعبیر شده است؛ مانند صحیحۀ فضیل: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى حَمْسٍ؛ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكَوا هَذِهِ الْعَلَايَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۸).

از آنجا که در عصر امامان معصوم علیهم السلام اکثریت اهل سنت بودند و یا به جهت به وجود نیامدن حساسیت، از تعبیر «ناس» استفاده می کردند.

گاهی نیز در تعبیر از اهل سنت، از کلمه «عامه» استفاده می کردند؛ مانند مقبوله عمر بن حنظله: «مَا خَالَفَ الْعَامَّةَ، فَفِيهِ الرَّشَادُ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷، ص ۱۰۷).

در موارد معدودی نیز به «مخالفین» تعبیر کرده اند، گرچه این تعبیر در السنه علما و فقها به وفور به چشم می خورد؛ مانند روایت زیر که نسبت به خلفا و کسانی که قدرت را در دست داشتند تعبیر مخالفین به کار رفته است: «عَلَيْهِ أَنْ يَدِينَ اللَّهُ فِي الْبَاطِنِ بِخِلَافِ مَا يُظْهَرُ لِمَنْ يَخَافُهُ مِنَ الْمُخَالِفِينَ الْمُسْتَوْلِينَ عَلَى الْأُمَّةِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۳).

دسته اول: سفارش شیعیان به جلب محبت عامه و حسن معاشرت با آنها

در بعضی از روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام به طور کلی و بدون ذکر مصداق بر جلب محبت عامه و حسن معاشرت با آنها سفارش کرده‌اند؛ مانند:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند رحمت کند کسی که ما (اهل بیت) را محبوب مردم قرار دهد و مبعوض آنها قرار ندهد.»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۲۲۹).

۲. در ضمن وصایای امام صادق علیه السلام به عبد الأعلى بن اعین آمده است: «خدا رحمت کند کسی را که محبت مردم را به خودش و ما بکشانند؛ به این طریق که آنچه مردم می‌پسندند را نشان دهد و آنچه نمی‌پسندند را مخفی کند.»^۲ (محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، ص ۳۴).

در کافی این گونه آمده است: «خداوند رحمت کند کسی را که محبت مردم را به خودش جلب کند به این طریق که به آنچه مردم می‌پسندند گفتگو کنید و آنچه آنها نمی‌پسندند را مخفی بدارید.»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۲۳).

۳. مدرک بن هزهاز از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «خداوند رحمت کند کسی را که محبت مردم را به خودش جلب کند. پس گفتارش به آنچه مردم می‌پسندند باشد و آنچه نمی‌پسندند را ترک کند.»^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۲۰)

دسته دوم: سفارش شیعیان به مخالطه و نشست و برخاست با عامه

روایاتی که پیشوایان معصوم علیهم السلام به طور کلی و مطلق و بدون ذکر مصداق، شیعیان را به مخالطه و نشست و برخاست با عامه و تقیه سفارش کرده‌اند؛ به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱. «... از ما نیست کسی که در مقابل افرادی که از او در امان است تقیه نکند و تقیه را مانند لباس زیرین و روین خود قرار ندهد (کنایه از ظاهر و باطن) تا این تقیه سجیه و رفتار ثابت

۱. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبِينًا إِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ».

۲. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَجَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِلَيْنَا بِأَنْ يُظْهَرَ لَهُمْ مَا يَعْرِفُونَ وَ يَكْفَى عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ».

۳. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ، حَدَّثُوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ اسْتُرُوا عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ».

۴. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ».

او شود در برابر کسی که از خطر او در حذر است.»^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۲).
 دلالت روایت بر تقیّه مداراتی روشن است، چون در تقیه از کسی که از ضرر او در
 امان هستیم خوفی متصور نیست و در واقع تقیّه مداراتی مقدمه تقیه خوفی است.
 آیت الله خوئی در ذیل این روایت فرموده‌اند: «این روایت بایستی حمل بر تقیه
 مداراتی شود چون خوف ضرر در آن متصور نیست و امکان حمل بر تقیه اصطلاحی
 یعنی تقیه خوفی ندارد؛ چون در تقیه از کسی که از او در امانیم خوف ضرری نیست.»
 (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۳۱۸).

۲. حضرت در روایتی دیگر فرموده‌اند: «خَالِطُوهُمْ بِالْبِرَّانِيَّةِ وَ خَالِفُوهُمْ بِالْجَوَانِيَّةِ إِذَا
 كَانَتِ الْإِمْرَةُ صِبْيَانِيَّةً» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۹)
 «برآنیه» کنایه از ظاهر و «جوانیه» کنایه از باطن می‌باشد؛ یعنی با عامه در ظاهر
 مخالطه و همراهی کنید اما در باطن مخالفشان باشید و عمل به این دستور تا زمانی است
 که حکومت در دست کوته فکران است؛ کوته فکرانی که در عقل مانند کودکان هستند.
 روایت شامل تقیّه مداراتی نیز می‌شود؛ چون امر به مخالطه و معاشرت با عامه مطلق
 است و شامل مواردی که ضرری در بین نباشد نیز می‌شود.

۳. در روایت دیگری از آن حضرت آمده است:
 بر شما باد به خوش رفتاری با اهل باطل و تحمل ظلم آنها و پرهیزید از نزاع و
 درگیری با آنها و در نشست و برخاست و معاشرت با آنها که چاره‌ای از آن
 ندارید متدین به تقیه باشید، تقیه‌ای که خداوند امر کرده در معاشرت با آنها به
 آن عمل کنید.^۲ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۰۷).
 اطلاق این روایت نیز نسبت به فرض عدم ضرر و تقیّه مداراتی مانعی ندارد.

۱. «عَلَيْكُمْ بِالتَّقِيَّةِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَجْعَلْهَا شِعَارَهُ وَ دِتَارَهُ مَعَ مَنْ يَأْمَنُهُ لِيَتَكُونَ سَجِيَّةً
 مَعَ مَنْ يَحْدَرُهُ».
 ۲. «وَ عَلَيْكُمْ بِمُجَامَلَةِ أَهْلِ الْبَاطِلِ تَحْمَلُوا الضَّيْمَ مِنْهُمْ وَ إِيَّاكُمْ وَ مُمَاطَتَهُمْ دِينُوا فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ
 إِذَا أَنْتُمْ جَالَسْتُمُوهُمْ وَ خَالِطْتُمُوهُمْ وَ نَارَعْتُمُوهُمْ الْكَلَامَ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ مُجَالَسَتِهِمْ
 وَ مُخَالَطَتِهِمْ وَ مُنَارَعَتِهِمْ الْكَلَامَ بِالتَّقِيَّةِ الَّتِي أَمَرَكُمُ اللَّهُ أَنْ تَأْخُذُوا بِهَا فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ».
- «ضییم» به معنای ظلم و «مماظه» به معنای نزاع و درگیری است.

۴. در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام چنین آمده است:

«خداوند به سبب تقیه امت را اصلاح می کند و برای صاحب تقیه مانند اجر اعمال امت ثبت می شود. پس تارک تقیه امت را نابود کرده است.»^۱ (حسن بن علی، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۲۱).

بیان اجر به جهت ترغیب در عمل به تقیه و نشست و برخاست با عامه است و تقیه ای که اصلاح امت را در پی دارد تقیه مداراتی است و تقیه خوفی بیشتر از اینکه باعث اصلاح امت شود، اصلاح مذهب یا شخص متقی را به دنبال دارد.

دسته سوم: ترغیب شیعیان به شرکت در اجتماعات عامه با حضور در نماز جماعت،

تشییع جنازه و...

روایاتی که پیشوایان معصوم با ذکر نمونه هایی به شیعیان خود دستور داده اند در اجتماعات عامه شرکت کنند و خود را در جامعه مسلمین نشان دهند و از سایر افراد جامعه خود را جدا نکنند، مانند اینکه در مساجد عامه حضور بهم رسانند و در نمازهای جماعت آنها شرکت کنند، در تشییع جنازه آنها شرکت کنند، مریضان آنها را عیادت نمایند و در محاکم قضایی به نفع یا ضرر آنها شهادت دهند؛ حتی در روایت زید شحام آمده است که اگر می توانید امام جماعت آنها یا مؤذن آنها شوید.

سیاق این روایات ظهور در تقیه مداراتی و فرض انتفای ضرر دارد و در بعضی از این روایات قرآنی است که این سیاق را تقویت می کند؛ اگر کسی منکر این سیاق شود، لا اقل این روایات مطلق است و شامل موارد تقیه مداراتی نیز می شود؛ چون اختصاص این روایات به فرض خوف ضرر، حمل بر فرد نادر یا حمل بدون دلیل است. برخی از این روایات عبارتند از:

۱. در صحیح هاشم کندی آمده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«برحذر باشید از انجام دادن عملی که ما را به سبب آن سرزنش کنند؛ چون پدر، به سبب عمل فرزند بدش سرزنش می شود، نسبت به کسانی که برای آنها منقطع شده اید

۱. «إِنَّ التَّقِيَّةَ يُصْلِحُ اللَّهُ بِهَا أُمَّةً، لِصَاحِبِهَا مِثْلُ ثَوَابِ أَعْمَالِهِمْ، وَإِنَّ تَرْكَهَا رَبُّهَا أَهْلَكَ أُمَّةً.»

(یعنی پیشوایان معصوم) زینت باشید و مایه زشتی بر ما نباشید، در قبایل آنها نماز بخوانید، مریضان آنها را عیادت کنید و در تشییع جنازه آنها حاضر شوید، مبادا شما را به کار خیری سبقت بگیرند، شما به کار خیر از آنها سزاوارتر هستید، به خدا قسم پرستیده نشده است خداوند به چیزی بهتر از خبء، گفتم: خبء چیست؟ فرمودند: تقیه.^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۹).

۲. در صحیحہ عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام با تعبیر «اوصیکم» آمده است که فرمودند: «شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و اینکه مردم را بر دوش خود سوار نکنید تا در جامعه ذلیل شوید (کنایه از اینکه برای خود زحمت و گرفتاری نتراشید) خداوند متعال می فرماید: با مردم به نیکی گفتگو کنید. سپس حضرت فرمودند: از مریضان ایشان عیادت و در تشییع جنازه شان شرکت کنید، در اختلافاتشان به نفع یا ضررشان شهادت دهید و با آنان در مساجدشان نماز بخوانید.»^۲ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۷).

سیاق این روایت نیز ظهور در تقیه مداراتی دارد و استشهاد به آیه شریفه، فرض احتمال ضرر را منتفی و این ظهور را تقویت می کند.

۳. در صحیحہ معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام سؤال شده است: «کَيْفَ يُبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ». پرسش معاویه بن وهب دو بخش دارد: ۱. شیوه رفتار شیعیان با یکدیگر ۲. شیوه رفتار و تعامل آنان با اهل سنت. اما امام علیه السلام در پاسخ، تفکیک نکرده و هر دو پرسش را یک پاسخ داده اند؛ یعنی نسبت به شیعیان و اهل سنت، هر دو، باید این رفتار اجتماعی را داشته باشید: «امانت های آنها را برگردانید، در اختلافاتشان به نفع یا ضررشان شهادت دهید، از مریضشان عیادت کنید و در تشییع جنازه شان حاضر شوید.»^۳ (همان، ص ۵).

۴. در صحیحہ زید شحام، امام صادق علیه السلام در ضمن وصایایی به شیعیان خود فرموده اند:

۱. «إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا نُعِيرَ بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوَةِ يُعِيرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا مِنَ انْفِطَعْتُمْ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَانْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ مَا عَبْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخُبْءِ قُلْتُ وَ مَا الْخُبْءُ قَالَ النَّفِيَّةُ».

۲. «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَابِكُمْ فَتَدْلُوا إِنْ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - يَقُولُ فِي كِتَابِهِ (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) ثُمَّ قَالَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَحْضَرُوا جَنَائِزَهُمْ وَ أَشْهَدُوا لَهُمْ وَ عَلَيهِمْ وَ صَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ».

۳. «تُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَ تَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ تَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ تَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ».

«در قبائلتان نماز بخوانید، در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید، مریضان آنها را عیادت و حقوق آنها را ادا کنید؛ چون وقتی مردی از شما شیعیان، اهل ورع و راستگو باشد و امانت را برگرداند و با مردم خوش اخلاق باشد، گفته می‌شود این جعفری است و این مرا خوشحال می‌کند و باعث مسرت من می‌شود و گفته می‌شود این ادب جعفر بن محمد است ولی اگر این گونه نباشید بلا و ننگ عملتان متوجه من می‌شود و گفته می‌شود این ادب جعفر بن محمد است.»^۱ (همان).

شبهه این روایت در کتاب «تحف العقول» به عنوان سفارش‌ها و توصیه‌های امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیانشان نقل شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۷۸).

۵. در روایت زید شحام از امام صادق علیه السلام وارد شده است:

«با مردم با اخلاق خودشان برخورد کنید، در مساجدشان نماز بخوانید، از مریضانشان عیادت، در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید و اگر توانایی دارید امام جماعت یا مؤذن آنها باشید، این کار را انجام دهید، اگر این گونه با آنها معاشرت کردید می‌گویند این‌ها جعفری هستند خداوند جعفر بن محمد را رحمت کند که پیروان خود را این چنین نیکو تربیت نموده است و اگر این گونه معاشرت را ترک کنید می‌گویند این‌ها جعفری هستند. خداوند از جعفر بن محمد انتقام بگیرد که پیروان خود را بد تربیت نموده است.»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۴۳۰).

۶. در روایت کثیر بن علقمه است که وی از امام صادق علیه السلام طلب وصیت کرده و در وصایای حضرت آمده است:

«در میان قبایل خود نماز بخوانید، از مریضانتان عیادت و در تشییع جنازه‌هایشان شرکت کنید، مایه زینت ما باشید نه مایه ننگ ما. ما را نزد مردم محبوب کنید، ما را

۱. «صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ اَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ اَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا اَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا اَدَبُ جَعْفَرٍ...».

۲. «يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأُمَّةَ وَ الْمُؤَذِّنِينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هُوَ لِأَجْعَفْرِيَّةٍ - رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابُهُ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هُوَ لِأَجْعَفْرِيَّةٍ - فَعَلَّ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ».

نزد آنها مبعوض قرار ندهید، تمام محبت و دوستی را به سمت ما بکشید و تمام شر را از ما دور کنید، هر آنچه از خوبی گفته شود ما اهلس هستیم و هر آنچه از بدی گفته شود قسم به خدا از آن دوریم.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۸).

۷. در روایت مرازم از قول امام صادق علیه السلام آمده است:

«بر شما باد به نماز خواندن در مساجد، حسن همجواری با مردم، اقامه شهادت و حضور در تشییع جنازه‌ها، چون چاره‌ای از برخورد با مردم ندارید، هیچ کس در زندگی‌اش بی نیاز از مردم نیست و مردم به یکدیگر نیاز دارند.»^۲ (همان، ص ۶).

دسته چهارم: ترغیب شیعیان به شرکت در نماز جماعت عامه

روایاتی که در بین مصادیق تقیه مداراتی فقط ناظر به نماز است؛ در این روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام با ذکر ثواب‌های زیاد در صدد ترغیب و تشویق شیعیان به شرکت در نماز جماعت عامه و نماز خواندن با آنها می‌باشند.

این روایات به دو مضمون وارد شده؛ در بعضی ترغیب به شرکت در نماز جماعت عامه است و برای آن اجر و ثواب‌های بسیار بیان گردیده؛ در برخی دیگر، با فرض اینکه شخص نمازش را قبلاً خوانده به شرکت در نماز جماعت عامه ترغیب شده است؛ روایات در قالب روایات مطلق و مقید (مقید به اینکه قبلاً نمازش را خوانده است) بیان می‌شود:

الف - روایات مطلق:

۱. در صحیح حماد بن عثمان از قول امام صادق علیه السلام آمده است:
«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ»
(حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۲۲۹).

این مضمون را حلبی با کمی تفاوت از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (همان، ص ۳۰۰).

۱. «صَلُّوا فِي عَشَائِرِكُمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاكُمْ وَ احْضُرُوا جَنَائِزَكُمْ وَ كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا لَنَا شَيْنًا حَبِّبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا تُبْغِضُونَا إِلَيْهِمْ جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ شَرِّ فَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ خَيْرٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ شَرِّ فَوَ اللَّهُ مَا نَحْنُ كَذَلِكَ».

۲. «عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَ إِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَ حُضُورِ الْجَنَائِزِ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ».

شیخ صدوق نیز مضمون این روایت را به نحو مرسل از امیرالمومنین علیه السلام نقل کرده است: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، فَكَأَنَّمَا صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۰۹).

روایت دلالت بر این دارد که نماز با عامه دارای ثواب زیادی است و اطلاق این روایت و روایات بعدی، شامل موارد تقیۀ مدارتی نیز می‌شود و حمل آنها بر موارد خوف ضرر، حمل بر فرد نادر یا حمل بدون دلیل است. آیت‌الله خویی در ذیل صحیحۀ حماد فرموده‌اند:

«این روایت و مانند آن، مقید به صورت ترتب ضرر در فرض ترک تقیه نیست بلکه حمل این روایات بر صورت ترتب ضرر حمل بر فرد نادر است؛ چون بعید است شخصی با ترک حضور در مساجد آنها یا ترک نماز جماعت با آنها، در یک یا دو یا چند مرتبه مشهور به تشیع یا امر دیگری شود و متضرر گردد.» (خویی، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۳۱۸)

۲. در صحیحۀ حفص بن بختری از امام صادق علیه السلام وارد شده است:

«وقتی در جماعت عامه وارد می‌شوی ولو به آنها اقتدا نکنی مانند آن است که به اشخاص شایسته اقتدا، اقتدا کرده‌ای.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۲۹۹).

۳. اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام در مورد نماز با عامه در مسجد آنها می‌پرسد و حضرت بعد از پاسخ مثبت می‌فرماید: «با آنها نماز بخوان چون گزاردن نماز با آنها در صف اول، مانند آن است که در راه خدا شمشیر بکشد.»^۲ (همان، ص ۳۰۱).

۴. در روایت دیگر، اسحاق بن عمار، از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند: داخل مسجد می‌شوم در حالی که نماز گزاران در رکوع هستند و امکان گفتن اذان و اقامه برایم نیست؟ حضرت، وی را به شرکت در جماعت عامه تشویق نموده، فرمودند: «به رکعتی که با آنها می‌خوانی اعتنا کن، چرا که از بهترین رکعات به شمار می‌آید؛ «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْخُلْ مَعَهُمْ فِي الرَّكْعَةِ وَاعْتَدَّ بِهَا فَإِنَّهَا مِنْ أَفْضَلِ رَكَعَاتِكَ...» (همان، ص ۳۶۸).

۵. در روایت ابو علی، امام صادق علیه السلام او را به حضور در مسجد آنها تشویق کرده، خطاب به وی فرموده‌اند: «اولین کسی باش که وارد مسجد شده و آخرین کسی باش که از آن خارج می‌شوی. اخلاقت با مردم نیکو و گفتارت بر نیکی باشد.»^۱ (همان، ص ۳۰۰).

۱. «يُحْسَبُ لَكَ إِذَا دَخَلْتَ مَعَهُمْ وَإِنْ لَمْ تَقْتَدِ بِهِمْ مِثْلَ مَا يُحْسَبُ لَكَ إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ تَقْتَدِي بِهِ».

۲. «صَلِّ مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّيَّ مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

۶. در مرسله صدوق است که امام صادق علیه السلام فرمودند: با حضور در نماز عامه، به عدد کسانی که با مخالفت می کنند، از گناهانت بخشیده می شود؛ «إِذَا صَلَّيْتَ مَعَهُمْ غُفِرَ لَكَ بَعْدَ مَنْ خَالَفَكَ» (همان، ص ۲۲۹).

ب - روایات مقید:

۱. در صحیحہ عمر بن یزید است که امام صادق علیه السلام به جهت ترغیب به خواندن نماز همراه عامه فرموده اند: اگر متقی نماز واجبش را در وقت بخواند سپس با عامه از روی تقیه دوباره بخواند، در حالی که وضو نیز دارد در این صورت برای متقی ۲۵ درجه نوشته می شود: «مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ يُصَلِّي صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ يُصَلِّي مَعَهُمْ صَلَاةً تَقِيَّةً وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فَارْغَبُوا فِي ذَلِكَ» (همان، ص ۳۰۲).

دلالت این روایت و سایر روایات مقید بر تقیه مداراتی، نسبت به روایات مطلق اقوی است؛ زیرا فرض تکرار نماز توسط مکلف، با وجود داشتن مندوحه و راه گریز، نشانگر این است که مکلف ناچار از نماز خواندن با آنها نبوده و خوف ضرری در میان نیست، اگر این ظهور پذیرفته نشود، اطلاق این روایات جای انکار ندارد.

۲. مشابه روایت فوق با سند دیگری نقل شده است؛ «مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي فِي الْوَقْتِ وَيَفْرُغُ ثُمَّ يَأْتِيهِمْ وَيُصَلِّي مَعَهُمْ وَهُوَ عَلَى وَضوءٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً» (همان).

۳. در صحیحہ عبدالله بن سنان است که وی از امام صادق علیه السلام می پرسد: نزدیک محل سکونت مسجد مخالفین معاند است و آنها نماز عصر را نزدیک غروب خورشید می خوانند، من نیز نماز عصرم را می خوانم و آنگاه با ایشان دوباره اقامه می کنم؟ امام علیه السلام در تأیید کار وی و تشویقش فرموده اند: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تُحْسَبَ لَكَ بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً» (همان، ص ۳۰۲).

۴. در صحیحہ نشیط بن صالح، از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال می کند از شیعه ای که در اندرون منزلش و با بسته بودن درب منزل نمازش را می خواند سپس از منزل خارج می شود و با همسایه اش که از عامه است نمازش را به صورت جماعت اعاده می کند، حضرت فرمودند:

«کسی که نماز را در خانه می خواند، خداوند دو برابر ثواب نماز جماعت یعنی ۵۰ درجه

۱. «فَكُنْ أَوَّلَ دَاخِلٍ وَآخِرَ خَارِجٍ وَ أَحْسِنْ خُلُقَكَ مَعَ النَّاسِ وَقُلْ خَيْرًا».

به او عطا می‌کند و کسی که نمازش را با همسایه‌اش به صورت جماعت بخواند نمازش ثواب بیشتری دارد و به وی ثواب کسی که نمازش را پشت سر رسول خدا ﷺ خوانده است، عطا می‌شود و با داخل شدن در نماز جماعت آنها گناهان خود را برای آنها باقی گذاشته و حسنات آنها را با خود می‌برد.^۱ (همان، ۳۰۴).

۵. در روایت ارجانی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است: کسی که نمازش را در منزل اقامه کند، آنگاه به مسجد عامه رفته و در مسجد آنها نماز بخواند، اجرش این است که حسنات آنها را با خود می‌برد.^۲ (همان).

نتیجه گیری:

در این پژوهش، به اثبات این مهم پرداختیم که تقیه مداراتی مانند تقیه خوفی از اهمیت به سزایی برخوردار است و شایسته است بیشتر مورد توجه فقها قرار بگیرد. در ابتدا سیره پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در عمل به این تقیه تبیین شد و گذشت که پیشوایان معصوم همراه خلفا یا امام جماعت عامه نماز می‌خواندند و همچنین در مراسم حج و وقوف در عرفات و مشعر از عامه متابعت می‌کرده‌اند و روشن است که اقتدا در نماز و همراهی در حج همیشه از روی خوف نبوده بلکه گاهی به جهت تقیه مداراتی و حفظ و ایجاد وحدت و انسجام بین مسلمین بوده است.

سپس سنت گفتاری و روایات پیشوایان معصوم در باب این تقیه تبیین شد و آنچه در این روایات نسبت به آن سفارش و تشویق شده عبارت است از: جلب محبت و معاشرت با عامه، مخالطه، نشست و برخاست و همراهی با آنها، شرکت و حضور در اجتماعات آنها از قبیل: نماز جماعت، تشییع جنازه، عیادت مریض، ادای امانت و حضور در محاکم قضایی با شهادت دادن به نفع یا ضرر آنها...

۱. «الَّذِي يُصَلِّي فِي بَيْتِهِ يُضَاعَفُهُ اللَّهُ لَهُ ضِعْفَيْنِ أَجْرِ الْجَمَاعَةِ تَكُونُ لَهُ خَمْسِينَ دَرَجَةً وَالَّذِي يُصَلِّي مَعَ حَيْرَتِهِ يَكْتُبُ لَهُ أَجْرٌ مَن صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَدْخُلُ مَعَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ فَيُحْلَفُ عَلَيْهِمْ ذُنُوبَهُ وَ يُخْرَجُ بِحَسَنَاتِهِمْ».

۲. «مَنْ صَلَّى فِي مَنْزِلِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدًا مِنْ مَسَاجِدِهِمْ، فَصَلَّى فِيهِ خَرَجَ بِحَسَنَاتِهِمْ».

نتیجه حضور شیعیان در اجتماعات عامه این است که شیعیان از آنها که اکثریت را تشکیل می‌دادند تمییز و تشخیص داده نشوند و از طرفی بین مسلمانان اتحاد و یکپارچگی حکمفرما باشد، اما در بین واجبات عبادی بر نماز که مهمترین رکن دین است و در آشکارا اقامه می‌شود و مسلمانان در طول شبانه روز انجام می‌دهند ترغیب و تشویق بیشتری شده است و اجر و ثوابی همچون نماز با پیامبر خدا ﷺ برای آن شمرده شده است و می‌توان گفت مهمترین مصداق تقیه مداراتی نماز جماعت با عامه است. از مجموع این روایات، اهمیت تقیه مداراتی کشف می‌شود و لازم است این تقیه مانند تقیه خوفی بیشتر مورد توجه علما قرار گرفته و زوایای مختلف آن بررسی شود.

مباحثی که در این تقیه مجال دارد و در کتب بعضی از فقهای متأخر؛ مانند امام خمینی (۱۴۲۰ق، ص ۷، ۴۸، ۷۰؛ بی تا، صص ۵۳۹، ۵۵۲) و آیت‌الله خویی (۱۴۰۸ق، ج ۵، صص ۳۱۹-۳۱۵) مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. حکم تکلیفی تقیه مداراتی؛ مشروعیت و استحباب این تقیه مسلم است اما آیا به حد وجوب نیز می‌رسد؟
۲. حکم وضعی تقیه مداراتی و اجزا یا عدم اجزای عمل مقرون به این تقیه،
۳. آیا عمل به تقیه مداراتی مشروط به عدم مندوحه و نداشتن راه گریز است یا مطلق است و در فرض داشتن مندوحه هم این تقیه مشروعیت دارد؟
۴. محدوده عمل به تقیه مداراتی در ناحیه متقی منه (شخص یا اشخاصی که از آنها تقیه می‌شود) چه مقدار است؟ آیا اختصاص به اهل سنت دارد؟
۵. محدوده این تقیه در ناحیه متقی فیه (امری که در آن تقیه می‌شود) چه مقدار است؟ آیا اختصاص به مصادیقی دارد که در روایات آمده است یا هر عبادت دسته جمعی در شرایطی که مصلحت وحدت را به دنبال داشته باشد، می‌تواند مصداق این تقیه باشد.

قرآن کریم

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، مصحح: صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، چاپ اول، مصحح: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، اعتقادات الامامية، چاپ دوم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: غفاری علی اکبر، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۶. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۲ش.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية - تحقیق: عبد الغفور عطار احمد، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل و سائل الشيعة إلى تحصیل مسائل الشريعة، چاپ اول، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۹. حسن بن علی، امام یازدهم علیهم السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیهم السلام، چاپ اول، مدرسه الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۰. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، تحقیق: صادقی اردستانی احمد، چاپ اول، دار الكتاب، قم، بی تا.
۱۱. روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق علیهم السلام، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۲. سبحانی، جعفر، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیهم السلام، قم، ۱۴۲۳ق.
۱۳. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تقیه مداراتی، چاپ اول، گروه ارشاد حجاج ایرانی (امر به معروف)، قم، ۱۳۶۵ش.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مخزومی، مهدی - سامرای، ابراهیم، چاپ دوم، هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.

۱۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ دوم، مؤسسه دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تحقیق: غفاری، علی اکبر - آخوندی، محمد، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار لدرر الاخبار الائمة الأطهار، تحقیق: جمعی از محققان، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ چهلیم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقہیہ، چاپ سوم، مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله، الرسائل العشرة، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، قم، ۱۴۲۰ق.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح الله، المكاسب المحرمة، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
۲۲. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب الطهارة (تقریرات)، مقرر: فاضل موحدی لنکرانی، محمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، قم، بی تا.
۲۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، مقرر: غروی میرزا علی، چاپ اول، علمیه، قم، ۱۴۱۸ق.